



سرمقاله

استخوان مداخله در گلو ی بازار

تبارشناسی کنترل قیمت و ضرورت بازگشت به اقتصاد رقابتی

دکتر غلامعلی رموی

اقتصاد ایران در دهه‌های گذشته بارها با یک خطای سیاستی تکرارشونده روبه‌رو شده است: هنگامی که قیمت‌ها افزایش می‌یابند، به جای پرداختن به ریشه‌های تورم، خود قیمت هدف مداخله قرار می‌گیرد. کنترل قیمت، برخورد با فروشنده ممکن است برای مدتی افزایش ظاهری برخی قیمت‌ها را متوقف کند، اما اگر علت اصلی افزایش قیمت همچنان پابرجا باشد، مسئله از بین نمرود؛ تنها شکل آن تغییر میکند.

یکی از مهمترین تجربه‌های تاریخی در این زمینه به میانه دهه ۱۳۵۰ بازمی‌گردد. افزایش شدید درآمدهای نفتی، رشد سریع مخارج دولت و گسترش اعتبارات، تقاضا را با سرعتی افزایش داد که ظرفیت عرضه اقتصاد نمیتوانست همپای آن حرکت کند. بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، مخارج دولت مرکزی ایران از حدود ۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۲/۷۳ به نزدیک ۱۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۴/۷۵ رسید. در همین دوره، فشارهای تورمی به‌سرعست افزایش یافت و دولت در سال ۱۹۷۵ برنامه‌ای گسترده برای کنترل قیمت‌ها و مقابله با «گرانفروشی» اجرا کرد.

ادامه در همین صفحه

فرصت امروز

برای کسب و کار آفرینی

فروش مرغ ارزان‌تر از نرخ رسمی در بازار

در حالی‌که نرخ رسمی هر کیلوگرم مرغ کامل تازه در میادین میوه و تره‌بار تهران ۲۵۰ هزار تومان اعلام شده، مشاهدات میدانی ایسنا نشان می‌دهد این محصول در برخی مراکز با قیمت‌هایی تا ۲۲۸ هزار تومان نیز عرضه می‌شود که به گفته مدیرعامل اتحادیه مرغداران این شرایط می‌تواند تولیدکننده را به دلیل فروش زیر قیمت واقعی زیانده کند...

انرژی گران، صادرات ریزشی و کامیون‌های معطل

سیمان زیر فشار سه گانه

فرصت امروز: صنعت سیمان ایران امروز با وضعیتی روبه‌روست که در آن سه مشکل به‌طور همزمان روی یکدیگر سوار شده‌اند: محدودیت انرژی، افزایش هزینه سوخت و دشوارترشدن صادرات. تازه‌ترین آمار ارائه‌شده از سوی دبیر انجمن صنفی صنعت سیمان نشان می‌دهد در پنج‌ماهه نخست امسال تولید کلینکر حدود ۳.۵ میلیون تن کاهش داشته است؛ در همان دوره صادرات کلینکر از ۳.۳ میلیون تن سال گذشته به کمتر از ۹۰۰ هزار تن رسیده و به گفته انجمن، افتی حدود ۷۳ درصدی را ثبت کرده است. در عین حال قیمت مازوت نیز طبق اظهارات همین مقام صنعتی طی دو ماه ۶۶ درصد افزایش یافته است.

این ترکیب برای مدیر صنعتی بسیار مهم‌تر از هر کدام از اعداد به تنهایی است. یک کارخانه ممکن است افزایش هزینه انرژی را تحمل کند، یا افت صادرات را با بازار داخلی جبران کند، یا تأخیر لجستیکی را برای...

صف‌نشینی غول‌های ریالی

برای بسته ۲ میلیارد دلاری

مدیریت و کسب و کار

تاثیرگذاری به مثابه زیرساخت جدید سازمان

پارادایم حاکم بر دنیای کار برای بیش از یک قرن بر پایه یک منطق صنعتی و ماشینی استوار بود: بهینه‌سازی فرایندها، افزایش بهره‌وری و به حداقل رساندن خطا. در این مدل، انسان‌ها اغلب به عنوان اجزای قابل تعویض در یک سیستم بزرگ تر در نظر گرفته می‌شدند و ارزش آنها با میزان خروجی و کارایی شان سنجیده می‌شد، اما با طلوع عصر هوش مصنوعی و اتوماسیون پیشرفته، این معادله در حال بازنویسی بنیادین است. وظایفی که مبنی بر تکرار، تحلیل داده‌های ساختاریافته و پیروی از قوانین مشخص هستند، به طور فزاینده‌ای به الگوریتم‌ها واگذار می‌شوند. این تحول عظیم، اگرچه در ابتدا ممکن است تهدیدآمیز به نظر برسد، اما فرصتی تاریخی برای بازتعریف نقش انسان در سازمان فراهم می‌کند. در این چشم‌انداز جدید، ارزش انسان دیگر در توانایی او برای رقابت با ماشین در سرعت و دقت...

تبارشناسی کنترل قیمت و ضرورت بازگشت به اقتصاد رقابتی

بنابراین، نقطه مهم تاریخی آنجاست که سیاستگذار به جای آنکه تورم را عمدتاً به‌عنوان مسئله‌ای مرتبط با رشد سریع تقاضا، مخارج دولت، نقدینگی و محدودیتهای عرضه ببیند، بخشی از مسئله را در رفتار بنگاه و فروشنده جستجو کرد. این رویکرد در سال ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ به یکی از گسترده‌ترین برنامه‌های برخورد با اصناف و کنترل قیمت تبدیل شد؛ و پیامدهای مهمی برای رابطه حکومت با بازار و اصناف داشت.

تجربه آن سالها یک درس مهم دارد:

قیمت، علت تورم نیست؛ قیمت غالباً علامت و نتیجه مجموعه‌ای از نیروهای اقتصادی است.

اگر نقدینگی با سرعتی بیش از رشد تولید افزایش یابد، اگر کسری بودجه به فشار بر منابع پولی و مالی منجر شود، اگر نرخ ارز دچار جهش شود یا صادرات نفت و دسترسی به درآمدهای ارزی کاهش پیدا کند، نمیتوان انتظار داشت که با دستور اداری، قیمت‌ها برای همیشه در سطحی ثابت باقی بمانند. مطالعات جدید درباره اقتصاد ایران نیز نشان می‌دهد که رشد پول در بلندمدت نقش مهمی در تورم دارد، اما در کوتاه‌مدت و حتی بلندمدت، عواملی مانند کسری بودجه، کاهش ارزش پول ملی، تحریم‌ها و درآمدهای نفتی نیز بر تورم اثرگذارند. اینجاست که باید میان مبارزه با تورم و مبارزه با قیمت تفاوت گذاشت.

مبارزه با تورم یعنی اصلاح عواملی که قدرت خرید پول را کاهش می‌دهند؛ یعنی انضباط مالی، اصلاح نظام بانکی، کنترل رشد نقدینگی، ثباتبخشی به بازار ارز، افزایش بهره‌وری و رفع موانع تولید. اما مبارزه با قیمت، اگر صرفاً به معنای دستور اداری برای پایین نگه داشتن قیمت باشد، ممکن است به کاهش عرضه، افت کیفیت، ایجاد بازارهای غیررسمی و افزایش نااطمینانی منجر شود.

فردریش هایک در مقاله کلاسیک خود درباره «کاربرد دانش در جامعه» نشان داد که یکی از کارکردهای اساسی نظام قیمت، انتقال اطلاعات پراکنده‌ای است که در اختیار میلیون‌ها مصرف‌کننده و تولیدکننده قرار دارد (Hayek, ۱۹۴۵). قیمت تنها یک عدد روی برچسب کالا نیست؛ حامل اطلاعاتی درباره کمیابی، هزینه، تقاضا و فرصتهای اقتصادی است. هنگامی که این علامت به‌صورت مصنوعی سرکوب می‌شود، بخشی از اطلاعاتی که بازار برای تصمیم‌گیری به آن نیاز دارد نیز مخدوش می‌شود.

البته دفاع از سازوکار بازار به معنای دفاع از هر آنچه در بازار اتفاق می‌افتد نیست. بازار رقابتی بدون نهادهای مناسب شکل نمی‌گیرد. حقوق مالکیت، اجرای قراردادهای، دسترسی برابر به بازار، شفافیت اطلاعات، مقابله با انحصار و امکان ورود و خروج بنگاه‌ها از الزامات یک اقتصاد رقابتیاند. وظیفه دولت در چنین نظامی حذف نمی‌شود؛ بلکه تغییر میکند.

دولت باید داور قدرتمند قواعد بازی باشد، نه اینکه خود به بازیکر مسلط بازار تبدیل شود.

یکی از خطرات مداخله گسترده، شکلگیری شکاف میان قیمت رسمی و قیمت واقعی بازار است. هرچه این شکاف بیشتر شود، انگیزه برای کسب امتیاز، سهمیه، مجوز و دسترسی ترجیحی افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی، سرمایه و استعداد ممکن است به جای تولید و نوآوری، به سمت



شرکت توسعه آهن و فولاد گل گهر

گزارش عملکرد هشت‌ماهه

رشد، به روایت اعداد

۷۲٪

افزایش فروش ۸ ماهه

نسبت به دوره مشابه سال گذشته

۷٪

افزایش تولید ۸ ماهه

نسبت به دوره مشابه سال گذشته

ابطال معاملات ۵ نماد پالایشی

بورس در کانال ۷.۷ میلیون واحد ماند

شاخص کل بورس در پایان معاملات شنبه با وجود رشد ۸۰ هزار واحدی در آغاز بازار، ۲۱ هزار واحد افزایش یافت و در سطح ۷ میلیون و ۷۸۸ هزار واحد ایستاد؛ همزمان معاملات ۵ نماد پالایشی ابطال شد.

به گزارش خبرنگار مهر، در جریان معاملات امروز شنبه ۱۱ مهر، شاخص کل بورس در ابتدای معاملات با رشد ۸۰ هزار واحدی برای نخستین‌بار وارد کانال ۷.۸ میلیون واحد شد، اما در ادامه با کاهش شتاب رشد، در ساعات پایانی معاملات تنها ۲۱ هزار واحد افزایش داشت و در نهایت در سطح ۷ میلیون و ۷۸۸ هزار واحد به کار خود پایان داد.

شاخص هموزن نیز امروز ۱۴۱۴ واحد افزایش یافت و همچنان در کانال ۲ میلیون واحد باقی ماند. در جریان معاملات، گروه فلزات عمدتاً روندی مثبت داشتند، در حالی که بیشتر نمادهای گروه پتروشیمی، به‌جز تابان، با افت قیمت مواجه شدند.

از مهم‌ترین اتفاقات معاملات امروز، توقف نمادهای پالایشی حدود دو ساعت پس از آغاز معاملات بود. در میان فعالان بازار، سقف‌گذاری برای نرخ کرک‌اسپرد، یعنی اختلاف قیمت فرآورده‌های نفتی تولیدشده با نفت خام مصرفی به‌عنوان خوراک، و همچنین نحوه قیمت‌گذاری فرآورده‌های نفتی به‌عنوان یکی از دلایل این توقف مطرح شد.

در همین زمینه، ولی‌الله جعفری، رئیس اداره نظارت بر ناشران سازمان بورس و اوراق بهادار، اعلام کرد بازگشایی نمادهای متوقف‌شده منوط به افشای آخرین وضعیت تصمیم‌گیری درباره دستورالعمل قیمت‌گذاری نفت خام و فرآورده‌های نفتی است. همچنین مدیریت عملیات بورس تهران اعلام کرد معاملات امروز شرکت‌های بورسی صنعت پالایشی شامل نمادهای شبندر، شتران، شیراز، شپنا و شبریز ابطال شده است.

ارزش کل معاملات بازار امروز به ۱۳۲.۹ همت رسید و ارزش معاملات خرد نیز ۴۸.۳ همت ثبت شد. در جریان معاملات، ۴.۱ همت پول حقیقی از سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی خارج شد و صندوق‌های درآمد ثابت نیز شاهد خروج ۴.۸ همت پول حقیقی بودند.

در مقابل، صندوق‌های طلا با جذب ۱۱۲۱ میلیارد تومان و صندوق‌های نقره با جذب ۵۲ میلیارد تومان، شاهد ورود پول حقیقی بودند.

در مجموع، فضای بازار امروز تقریباً متعادل بود و ۵۱ درصد نمادها در محدوده مثبت معامله شدند. بیشترین ورود پول حقیقی به گروه خودرو با ۳۸۲ میلیارد تومان و گروه معادن با ۲۵۰ میلیارد تومان اختصاص داشت.

در سمت مقابل، گروه پتروشیمی با خروج ۱۶۱۲ میلیارد تومان پول حقیقی بیشترین خروج سرمایه را تجربه کرد. پس از آن بانک‌ها با ۸۴۰ میلیارد تومان، فلزی‌ها با ۶۸۵ میلیارد تومان و پالایشی‌ها با ۵۴۵ میلیارد تومان خروج پول حقیقی قرار گرفتند. گروه‌های سیمانی، صنایع غذایی و دارویی نیز با خروج پول حقیقی مواجه شدند.

در میان نمادهای بورسی، بیشترین ورود پول حقیقی به نماد تاصیکو با ۴۸۰ میلیارد تومان، خودرو با ۳۳۸ میلیارد تومان و گردش با ۱۷۶ میلیارد تومان اختصاص داشت.

در مقابل، نماد تابان با ۴۹۳ میلیارد تومان، پارس با ۳۹۰ میلیارد تومان، فغوز با ۳۴۴ میلیارد تومان و وبملت با ۳۰۴ میلیارد تومان بیشترین خروج پول سهامداران حقیقی را ثبت کردند.

در بازار فرابورس نیز شاخص با رشد ۱۹۴ واحدی همراه شد و برای نخستین‌بار وارد کانال ۶۲ هزار واحد شد.

توصیه رئیس اتحادیه طلا به مردم و خربداران در بازار هیجانی

رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران با اشاره به نقش نوسانات ارزی در رشد قیمت‌ها و ورود بانک مرکزی و اصلاح نرخ‌ها، به مردم و خریداران توصیه کرد تا زمان تثبیت قیمت‌ها و بازگشت آرامش به بازار از خریدهای هیجانی پرهیز کنند.

نادر بردافشان در گفت‌وگو با ایسنا، در توضیح تغییرات یک هفته اخیر بازار طلا و سکه گفت: در یک هفته اخیر در بازارهای جهانی شاهد کاهش ۱۴۴ دلاری اونس طلا هستیم و در حال حاضر بازار جهانی با نرخ ۱۴۱۴ دلاری برای هر اونس در تعطیلات پایان هفته به سر می‌برد. با وجود کاهش در بازارهای جهانی، اما در بازارهای داخلی به علت نوسانات افزایشی نرخ ارز در بازار شاهد نوسان افزایشی بودیم به طوری‌که دلار در یک هفته اخیر با افزایش ۳۲ هزار تومانی روبرو شده که همین عامل در افزایش و رشد قیمت طلا در بازار نقش اصلی را داشته است.

رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران گفت: در حال حاضر هر مثقال طلای ۱۷ عیار با رشد ۱۰ میلیون و ۹۷۰ هزار تومانی نسبت به ابتدای هفته گذشته با نرخ ۱۱۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و گرم طلای ۱۸ عیار با افزایش دو میلیون و ۵۴۰ هزار تومانی به ۲۶ میلیون و ۴۳۰ هزار تومان رسیده است. سکه تمام بهار آزادی طرح جدید نیز با افزایش ۳۲ میلیون تومانی به ۲۷۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان، تمام سکه طرح قدیم با افزایش ۲۵ میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی به ۲۵۹ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان، نیم سکه با رشد ۱۸ میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی به ۱۴۰ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان، ربع سکه با رشد ۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی به ۷۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و سکه یک گرمی بانک مرکزی نیز با رشد پنج میلیون تومان به ۳۸ میلیون تومان رسید. رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران درباره حباب سکه خاطرنشان کرد: حباب سکه نیز طی یک هفته اخیر با افزایش غیر منتظره شش میلیون و ۷۰۰ هزار تومانی به ۱۲ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان رسیده که بخشی از افزایش قیمت ناشی از حباب هیجانی در پی افزایش نرخ ارز است. بذر افشان در پایان در توصیه به خریداران و مردم گفت: با توجه به اینکه قیمت جهانی طلا در هفته اخیر کاهشی بوده اما به خاطر افزایش نرخ ارز شاهد رشد قیمت طلا در بازار داخلی هستیم و ممکن است با ورود بانک مرکزی و کاهش قیمت ارز، نرخ طلا نیز روند کاهشی و اصلاحی را طی کند، بنابراین به مردم توصیه می‌شود تا زمانی که بازارها به ثبات نرسیده و قیمت ها تثبیت نشده اقدام به معاملات و خرید و فروش هیجانی نکنند، همچنین در صورت تمایل به خرید حتما پیش از آن نگاهی به وضعیت بازار داشته و تحقیقات لازم را انجام دهند.

انرژی گران، صادرات ریزشی و کامیون‌های معطل

سیمان زیر فشار سه گانه



شود. گازوئیل مورد استفاده ژنراتورهای خودتامین نیز به گفته انجمن با نرخ آزاد حدود ۸۰ هزار تومان در هر لیتر عرضه می‌شود.

در این وضعیت، گزینه «خودت برق تولید کن» لزوماً راه‌حل اقتصادی نیست.

ممکن است ژنراتور کارخانه روشن بماند، اما برق تولیدشده آن‌قدر گران تمام شود که ادامه تولید برخی محصولات توجیه نداشته باشد. بنابراین تصمیم مدیریتی دیگر دوگانه ساده «تولید یا توقف» نیست؛ بلکه سؤال دقیق‌تر این است:

کدام محصول، در کدام شیفیت و با کدام منبع انرژی هنوز حاشیه سود مثبت دارد؟

این سؤال برای کارخانه‌های سیمان حیاتی است، اما محدود به این صنعت نیست. فولاد، شیشه، کاشی، آجر، مواد معدنی و سایر صنایع انرژی‌بر نیز باید سودآوری خود را براساس «هزینه واقعی انرژی جایگزین» محاسبه کنند.

صادرات؛ وقتی بازار هست اما کالا به آن نمی‌رسد

بخش دوم فشار از سمت صادرات می‌آید. انجمن سیمان اعلام کرده صادرات کلینکر از ۳.۲ میلیون تن به زیر ۹۰۰ هزار تن کاهش یافته است. این انجمن بخش مهمی از افت مسیرهای جنوبی را به تحولات منطقه‌ای و مشکلات حمل نسبت داده و همزمان گفته صادرات از شمال و شرق کشور در پنج ماه نخست امسال ۱۹ درصد رشد کرده است.

این تفاوت یک پیام مدیریتی مهم دارد: مشکل صادرات ایران همیشه «نبود بازار» نیست؛ گاهی مسیر بازار مشکل دارد.

اگر یک مسیر تجاری پرریسک یا گران شود، شرکت صادراتی باید بتواند مقصد و مسیر خود را تغییر دهد. رشد صادرات از شمال و شرق نشان می‌دهد جابه‌جایی جغرافیایی بازار می‌تواند بخشی از شوک را خنثی کند.

اما حتی در همین مسیر نیز مانع دیگری وجود دارد. دبیر انجمن سیمان گفته کامیون‌های ایرانی در برخی مرزهای شرقی بین هفت تا هشت روز منتظر می‌مانند؛ موضوعی که هزینه خواب ناوگان و در نهایت هزینه صادرات را بالا می‌برد.

برای یک محموله کم‌ارزش و حجیم مانند سیمان، زمان اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. ارزش هر تن محدود است و بنابراین چند روز توقف کامیون می‌تواند بخش بزرگی از حاشیه سود صادرات را از بین ببرد. در چنین کالایی نمی‌توان همه هزینه اضافی را به خریدار خارجی منتقل کرد؛ زیرا رقیب منطقه‌ای می‌تواند جای صادرکننده ایرانی را بگیرد.

بحران اصلی؛ حاشیه سود از دو طرف فشرده می‌شود

مدیر کارخانه اکنون با یک فشار دوطرفه روبه‌روست.

از یک سو هزینه تولید بالا می‌رود؛ انرژی، حمل، برق آزاد و تأمین سوخت.

از سوی دیگر درآمد صادراتی تحت فشار قرار می‌گیرد: مسیرهای محدودتر، خواب کامیون، هزینه مرزی و رقابت خارجی.

این دقیقاً همان وضعیتی است که می‌تواند به Margin Squeeze



هستند. وقتی یک متقاضی خرد در راهروهای اداری برای اثبات اصالت مدارک خود سرگردان است، صدها میلیون دلار از این بسته در قالب حواله‌های تجاری از دست می‌رود. در چنین شرایطی، تقاضای کف جامعه همچنان جذب بازار غیررسمی می‌شود و اسکناس آزاد بدون هیچ مانعی به روند صعودی خود ادامه می‌دهد، چرا که هیچ سیگنال عملی مبنی بر فراوانی ارز در دسترس عموم مخابره نشده است. این تمرکز سنگین رyal شرکتی نه تنها تقاضای غیررسمی را مهار نمی‌کند، بلکه موجب تخلیه سریع ذخایر ارزی کشور بدون دستیابی به نتایج ملموس قیمتی می‌شود. صنایع انحصاری ارز دریافتی را در چرخه قیمت‌گذاری محصولات خود بر مبنای نرخ‌های آزاد محاسبه می‌کنند و بدین ترتیب، این منابع کلان نه به کاهش تورم عمومی یاری می‌رساند و نه از بار التهاب بازار آزاد می‌کاهد، بلکه صرفاً به سوختی برای تقویت ترانزنامه‌های مالی چند بنگاه خاص بدل می‌گردد.

شبهه رسمیت‌بخشی به کف قیمتی و هشدار درباره کانال‌های بالاتر

ضلع دوم چالش، بازتاب روانی قیمت‌گذاری این مداخله است.

منتقدان و فعالان بخشی خصوصی بر این باورند که نحوه عرضه منابع در سطوح فعلی، عملاً نوعی صحت‌گذاری بانک مرکزی بر این ارقام تلقی می‌شود. تثبیت نرخ رسمی در این تراز، برای دلالتان بازار آزاد به منزله یک تضمین حاکمیتی است؛ بدین معنا که بازارساز نرخ‌های پایین‌تر را در محاسبات خود کنار گذاشته و حاضر است در همین مرز به معامله بپردازد.
همین موضوع واکنش‌های تندی را در محافل تجاری برانگیخته است. کارشناسان نسبت به این شیوه مداخله هشدار می‌دهند و معتقدند زمانی که نهاد ناظر پولی با قیمت‌های بالا وارد میدان حراج می‌شود، انتظارات تورمی را به جای مهار، تثبیت می‌کند. با پذیرش این سطح از سوی نهاد سیاست‌گذار، فعالان غیررسمی فوراً حاشیه سود خود را بالاتر می‌برند و زمینه‌سازی برای جهش نرخ به کانال ۳۰۰ هزار تومان آغاز می‌شود. در روانشناسی معاملات ارزی، تثبیت کف در

منجر شود؛ یعنی شرکت ممکن است همچنان تولید و فروش داشته باشد، اما سود هر تن به تدریج از بین برود.

یکی از خطرناک‌ترین اشتباه‌ها در چنین دوره‌ای نگاه‌کردن صرف به تناژ تولید است. مدیر ممکن است بگوید «کارخانه همچنان با ظرفیت بالا تولید می‌کند»، در حالی که تولید بیشتر با هزینه انرژی جدید می‌تواند حتی زیان را بیشتر کند.

شاخص صحیح‌تر «Contribution Margin per Ton» است؛ یعنی بعد از کسر هزینه‌های متغیر واقعی امروز، هر تن محصول چقدر برای پوشش هزینه ثابت شرکت باقی می‌گذارد.

فرصت کجاست؟

در دل این فشار، دو فرصت نیز دیده می‌شود.

نخست، بازارهای شمال و شرق است. رشد ۱۹ درصدی صادرات در این مسیرها نشان می‌دهد شرکت‌هایی که شبکه فروش روسیه، آسیای مرکزی و افغانستان را توسعه داده‌اند می‌توانند بخشی از افت بازارهای دیگر را جبران کنند.

دوم، سرمایه‌گذاری در کاهش شدت انرژی است. انجمن سیمان گفته برای برخی پروژه‌های بازیافت حرارتی حدود ۸ تا ۱۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری به ازای هر خط مورد نیاز است. این رقم بزرگ است، اما در محیطی که انرژی از مزیت ارزان به ریسک عملیاتی تبدیل شده، محاسبه بازگشت سرمایه چنین پروژه‌هایی باید با مفرضات جدید انجام شود. پروژه‌ای که پنج سال قبل بازگشت اقتصادی جذابی نداشت، ممکن است با قیمت جدید انرژی توجیه‌پذیر شده باشد.

سناریوی ماه‌های آینده

اگر محدودیت برق و گاز کاهش یابد، صنعت می‌تواند بخشی از افت کلینکر را جبران کند و فشار اصلی به سمت صادرات منتقل می‌شود. اگر انرژی محدود بماند اما بازار داخلی قوی باشد، احتمال کاهش موجودی کلینکر و افزایش تدریجی هزینه تولید بیشتر می‌شود.

و اگر همزمان محدودیت انرژی و اختلال صادرات ادامه پیدا کند، شرکت‌های دارای ترازنامه ضعیف‌تر و نقدینگی محدودتر تحت بیشترین فشار خواهند بود.

بنابراین یک عدد برای پیش‌بینی وضعیت صنعت کافی نیست. مدیر باید سه شاخص را کنار هم بگذارد: موجودی کلینکر، هزینه انرژی به ازای هر تن و حاشیه سود صادرات به تفکیک مسیر.

تصمیم عملی

شرکت‌های صنعتی بهتر است از امروز یک «Energy-adjusted Margin» برای هر محصول محاسبه کنند؛ یعنی سود هر محصول نه با متوسط تاریخی انرژی، بلکه با هزینه واقعی برق، گاز، مازوت و حمل فعلی. در بخش صادرات نیز هر مسیر باید به‌صورت جداگانه P&L داشته باشد. ممکن است صادرات به یک کشور از نظر قیمت فروش جذاب باشد اما بعد از احتساب هفت روز خواب کامیون، هزینه حمل و هزینه مالی سرمایه، عملاً سودآور نباشد.

مسئله صنعت سیمان امروز فقط کمبود انرژی نیست؛ مسئله این است که تولید، انرژی و لجستیک همزمان وارد صورت سود و زیان شده‌اند.

صف‌نشینی غول‌های ریالی برای بسته ۲ میلیارد دلاری

محدوده ۲۵۰ هزار تومانی، سقف‌های قبلی را به حامیان روانی جدید بدل می‌سازد و ریسک پرش قیمت را دوچندان می‌کند. رحمان باقری‌ای پژوهشگر اقتصادی تأکید می‌کند که سیاست‌گذار نباید پیام تسلیم در برابر قیمت‌های سقفه‌بازانه صادر کند. به باور وی، بازار آزاد همواره یک فاصله درصدی مشخص میان نرخ رسمی و غیررسمی تعریف می‌نماید. اگر سیاست‌گذار با عرضه در نرخ جدید کف جدید بسازد، دلالتان با لحاظ ریسک‌های معاملاتی، نرخ بازار آزاد را بلافاصله یک پله بالاتر می‌برند. در نتیجه، این تزریق ۲ میلیارد دلاری به جای ایفای نقش ترمز، به سکوی پرتاب نرخ‌های جدید بدل می‌شود و خریداران خرد را با وحشت بیشتری به سمت خرید ریالی از سوق می‌دهد.

پنج پیشنهاد فوری برای عبور از بن‌بست کنونی

برای جلوگیری از هدررفت ۲ میلیارد دلار و مهار تب تورمی، کارشناسان اصلاحات فوری را به بانک مرکزی توصیه می‌کنند: نخست، تفکیک کامل سهمیه‌های خدماتی از مصارف شرکتی و مسدود کردن دسترسی خودروسازان به این سید الزامی است؛ ارز مورد نیاز صنایع باید منحصرآز مجاری بازرگانی جداگانه تأمین شود. دوم، سیاست‌گذار باید از قیمت‌گذاری صلب پرهیز کند و با استفاده از مکانیسمم حراج معکوس و پلکانی، نرخ عرضه را روزانه کاهش دهد تا سوداگران ناچار به فروش دارایی‌های خود شوند.

سوم، بانک مرکزی باید خلق رyal از طریق تسهیلات بانکی برای خرید ارز شرکتی را متوقف سازد تا غول‌های مالی نتوانند با اعتبار بانکی به تسخیر بازار بپردازند. چهارم، عرضه اوراق سپرده ارزی با تسویه ریالی می‌تواند تقاضای حفظ ارزش دارایی را بدون خروج فیزیکی اسکناس جذب کند. پنجم، فرایند دریافت ارز خدماتی ۱۰ هزار دلاری باید از طریق درگاه‌های دیجیتال و شعب منتخب تسهیل شود تا شهروندان واقعی بتوانند در کوتاه‌ترین زمان نیازهای درمانی و دانشجویی خود را پاسخ دهند. اجرای قاطع این اقدامات تنها راه برای بازگرداندن ثبات پایدار به بازار ارز است.

سود سهام عدالت حدود ۲.۵ میلیون تومان

مدیر نظارت بر ناشران سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام کرد: میزان سود سهام عدالت حدود دو تا دو و نیم میلیون تومان است که پس از دریافت از شرکت‌های سرمایه‌پذیر، به حساب مشمولان واریز می‌شود.

به گزارش ایسنا، ولی‌اله جعفری با اشاره به برگزاری مجامع شرکت‌های سرمایه‌پذیر سهام عدالت در سال ۱۴۰۴ گفت: به محض دریافت سود از این شرکت‌ها و فراهم شدن امکان واریز، سود به حساب مشمولان پرداخت می‌شود، اما زمان دقیق واریز مشخص نیست.

وی در یک برنامه تلویزیونی درباره زمان پرداخت سود سهام عدالت، آخرین وضعیت مجامع شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی و موضوعات مطرح‌شده درباره سهام عدالت در مجلس توضیحاتی ارائه داد.

جعفری در پاسخ به پرسشی درباره زمان پرداخت سود سال ۱۴۰۴ شرکت‌های سرمایه‌پذیر سهام عدالت به سهام‌داران اعلام کرد: مجامع مربوط به عملکرد سال ۱۴۰۴ شرکت‌های سرمایه‌پذیر، در سال ۱۴۰۵ برگزار شده است، بنابراین شرکت‌ها موظف هستند طبق برنامه زمان‌بندی سود سهام، سود متعلق به سهام‌داران عدالت را پرداخت کنند.

میزان سود ۲ تا ۲.۵ میلیون تومان

مدیر نظارت بر ناشران سازمان بورس و اوراق بهادار درباره میزان سود سهام عدالت گفت: میزان سود حدود دو میلیون تومان است، اما عدد پس از برگزاری کامل مجامع از سوی سپرده‌گذاری مرکزی اعلام می‌شود، ولی به نظر می‌رسد مبلغ سود بین دو تا ۲.۵ میلیون تومان باشد.

جعفری درباره تعیین تکلیف ورثه سهام عدالت اعلام کرد: وراث سهام‌داران متوفی عدالت می‌توانند به یکی از شعب بانک‌های ملی، ملت، تجارت یا پارسیان یا شرکت‌های کارگزاری که نام آن‌ها در سایت شرکت سپرده‌گذاری مرکزی درج شده است، مراجعه کنند. او افزود: نماینده ورثه باید اطلاعات را به صورت کامل در اختیار شرکت کارگزاری یا شعب بانک‌هایی که به آن‌ها اشاره شد، قرار دهد.

مدیر نظارت بر ناشران سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام کرد: این اطلاعات در سامانه «میراث» وارد می‌شود و سپرده‌گذاری مرکزی بر اساس اطلاعات دریافت شده فرآیند انحصار وراثت را انجام می‌دهد.

آخرین وضعیت مجامع شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی
جعفری درباره موضوعات مطرح‌شده در مجلس در خصوص سهام عدالت توضیح داد: یکی از موضوعاتی که اخیراً مجلس مورد بحث قرار گرفته این است که در فرآیند آزادسازی سهام عدالت، نقش تعاونی‌ها افزایش پیدا کند.

مدیر نظارت بر ناشران سازمان بورس و اوراق بهادار درباره برگزاری مجامع شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی گفت: برای پایان سال مالی ۱۴۰۲، هفت استان، برای پایان سال مالی ۱۴۰۳ نیز هفت استان مجامع خود را برگزار کرده‌اند و برای پایان سال مالی ۱۴۰۴ هم تا کنون ۵ استان مجامع خود را برگزار کرده‌اند.

ضرب‌الاجل برای صندوق‌های قرض‌الحسنه غیرمجاز

رئیس مرکز اطلاعات مالی هشدار داد که ادامه فعالیت صندوق‌های قرض‌الحسنه بدون اخذ مجوز از بانک مرکزی، این مؤسسات را در فهرست مظنونین به پولشویی قرار داده و مشمول محدودیت‌های قانونی خواهد کرد.

به گزارش ایسنا، هادی خانی – دبیر شورای عالی مقابله و پیشگیری از جرایم پولشویی و تأمین مالی تروریسم – در حاشیه نهمین جلسه کمیسیون تخصصی تنظیم‌گری و نظارت این شورا با ابراز نگرانی از سوءاستفاده مجرمان اقتصادی از خلأ نظارتی موجود بر بیش از ۶۰۰۰ صندوق قرض‌الحسنه فاقد مجوز، اعلام کرد: در تعامل نزدیک با بانک مرکزی و رصد تراکنش‌های مالی، بیش از ۱۷۰۰ صندوق قرض‌الحسنه بدون مجوز که دارای تراکنش‌های مالی بوده‌اند، شناسایی و در گام اول در لیست اشخاص پرخطر قرار گرفته‌اند.

وی افزود: فرآیند طبقه‌بندی تدریجی این صندوق‌ها به‌عنوان اشخاص مظنون به معاملات مشکوک به پولشویی و تأمین مالی تروریسم، به دلیل بی‌توجهی به دستورالعمل ابلاغی بانک مرکزی و تأخیر یک‌ساله در اخذ مجوزهای قانونی آغاز شده و این اقدامات در راستای صیانت از جایگاه نهاد قرض‌الحسنه و حذف بسترهای فساد از این حوزه صورت می‌گیرد.

رئیس مرکز اطلاعات مالی با اشاره به گذشت بیش از یک سال از مهلت دو ساله بانک مرکزی به صندوق‌های قرض‌الحسنه فاقد مجوز گفت: تنها تعداد انگشت‌شماري به این ضرب‌الاجل توجه نشان دادند و به تکالیف قانونی خود عمل کردند.

دبیر شورای عالی مقابله و پیشگیری از جرایم پولشویی و تأمین مالی تروریسم با تأکید بر لزوم تعیین تکلیف فوری وضعیت این صندوق‌ها گفت: صندوق‌های فاقد مجوز می‌بایست در اولین فرصت به «درگاه ملی مجوزها» مراجعه و نسبت به ثبت تقاضا و دریافت کد رهگیری اقدام کرده و مستندات خود را به بانک مرکزی ارائه دهند؛ در غیر این صورت، از ماه آینده و منطبق با سطح ریسک شناسایی شده، اعمال پلکانی محدودیت‌های قانونی علیه این مؤسسات در چارچوب قوانین و مقررات مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم اجرایی خواهد شد.

وی تصریح کرد: حمایت قاطع از بانک مرکزی به‌عنوان متولی نظارت بر صندوق‌ها در راستای ساماندهی و افزایش نظارت‌پذیری مؤسسات پولی و مالی فاقد مجوز، از اولویت‌های مرکز اطلاعات مالی است و تمامی ظرفیت‌های قانونی این مرکز برای برخورد با فعالیت‌های غیرمجاز و حذف بسترهای جرم‌زا فعال شده است.

گفتنی است؛ در نهمین جلسه کمیسیون تخصصی تنظیم‌گری و نظارت، تصمیماتی جهت «تقسیم کار ملی» و جلوگیری از شکل‌گیری مؤسسات پولی غیرمجاز اتخاذ و به دستگاه‌های ذی‌ربط ابلاغ شد.

یک کارشناس اقتصادی، با اشاره به برنامه بانک مرکزی برای عرضه تا سقف دو میلیارد دلار ارز و فروش ارز تا سقف ۱۰ هزار دلار به هر فرد در چند بانک، گفت: تجربه سیاست‌های مشابه نشان داده که صرف عرضه ارز نمی‌تواند به تنهایی ثبات پایدار در بازار ایجاد کند و برای کاهش جذابیت سوداگری باید سیاست‌های مالی و مالیاتی نیز اصلاح شود.

حسین گودرزی در گفت‌وگو با ایسنا، درباره اقدامات اخیر بانک مرکزی برای مدیریت بازار ارز، اظهار کرد: مردم و سرمایه‌گذاران ما هنوز نمی‌دانند که اگر وارد معاملات ارز شوند، باید بسیاری از کالاهای و خدمات، با بهتر بگویم هزاران قلم کالا و خدمت را با افزایش قیمت ۱۰۰ درصدی و بیشتر خریداری کنند. متأسفانه این فرهنگ هنوز جا نیفتاده و ما با یک سوء مدیریت مواجه هستیم. اتفاقی که اکنون در حال رخ دادن است این است که ارزش افزوده و بازدهی سرمایه‌گذاری، در اصل صفر و منفی است و تمام سرمایه‌گذاری‌ها در بازار ارز هیچ ارزش افزوده‌ای ندارند.

گودرزی گفت: بسیاری تصور می‌کنند برای اینکه بتوانند ارزش و قدرت خرید دارایی‌های خود را حفظ کنند، باید به سمت خرید ارز و مشخصاً دلار بروند. این اتفاق، اتفاق ناگوار است؛ از یک طرف بازدهی و هزینه فرصت بسیار بالایی برای این سرمایه‌گذاری وجود دارد و از

طرف دیگر ارزش افزوده‌ای ایجاد نمی‌کند.

وی با بیان اینکه این شرایط به بخش مولد اقتصاد آسیب می‌زند، اظهار کرد: این اتفاق باعث می‌شود بخش مولد ما نتواند به دلیل تقاضای انفجاری که در بازار ارز ایجاد می‌شود و تورمی که در پی آن به وجود می‌آید، با بازار ارز رقابت کند. متأسفانه برخلاف مردم کشور که در سال ۱۹۹۷ طلاهای خود را فروختند تا بتوانند بدهی‌های دولت را پرداخت کنند، کشورشان را از ورشکستگی نجات دهند و کارخانه‌هایشان را به مدار تولید بازگردانند، ما برعکس عمل کرده‌ایم و در بازار طلا و ارز، با ارزش افزوده صفر و عموماً با هدف کسب بازدهی متناسب با تورم، سرمایه‌گذاری کرده‌ایم که کاملاً اشتباه است.

مالیات بر سوداگری باید جدی گرفته شود

وی با تأکید بر ضرورت تغییر رویکرد در مدیریت بازار ارز گفت: به نظر من به جای این محدود کردن یا عرضه کردن دلار، باید دولت به سمت اجرای قدرتمند مالیات بر سوداگری برود و مردم هر مقدار ارز و طلا که می‌خواهند در اختیار داشته باشند، اما از طرف دیگر سیاست‌های مالی و مالیاتی قدرتمندی اجرا شود، به نحوی که بخش مولد بیشترین جذب سرمایه را داشته باشد. اکنون متأسفانه شاهد هستیم که از بخش مولد مالیات گرفته می‌شود و بخش سوداگری تقریباً از مالیات معاف است. به نظر می‌رسد دولت توانی برای گرفتن

تناقض آشکار در بازار مسکن

قیمت‌های پیشنهادی مسکن صعودی شد، معاملات نصف!

بازارهای موازی از جمله ارز و طلا بر بازار مسکن و همچنین نرخ تورم، نه تنها قیمت مسکن کاهش نیافت بلکه رشد نرخ‌های اعلامی افزایش پیدا کرد.

قدرت خرید حلقه مفقوده بازار یکی از مهم‌ترین مشکلات فعلی بازار مسکن تهران، فاصله میان قیمت ملک و توان مالی خانوارهاست. حتی در شرایطی که قیمت‌های پیشنهادی افزایش می‌یابد، بخش قابل توجهی از متقاضیان مصرفی امکان تأمین منابع لازم برای خرید را ندارند.

از سوی دیگر هزینه ساخت افزایش یافته و همین موضوع اجازه کاهش قابل توجه قیمت تمام‌شده واحدهای جدید را دشوار کرده است. بنابراین بازار با دو نیروی هم‌زمان مواجه است؛ از یک طرف فروشندگان و سازندگان با افزایش هزینه زمین، مصالح، دستمزد و سایر هزینه‌های تولید روبه‌رو هستند و از طرف دیگر، خریداران با کاهش قدرت خرید مواجه شده‌اند. نتیجه این وضعیت، کاهش تعداد معاملات و افزایش سهم واحدهایی است که با قیمت‌های بالا وارد بازار می‌شوند اما برای فروش نیازمند زمان بیشتری هستند.

بازار مسکن در انتظار رونق یا تعدیل قیمت؟

در شرایط فعلی، بازار مسکن تهران نه در وضعیت رونق معاملاتی قرار دارد و نه نشانه‌ای روشن از کاهش عمومی قیمت‌ها دیده می‌شود. داده‌های موجود بیشتر از بازاری حکایت دارد که قیمت‌های پیشنهادی در آن افزایش یافته، اما تعداد معاملات به دلیل کاهش قدرت خرید و ناطمینانی اقتصادی پایین مانده است.

با این اوصاف بازار مسکن تهران در شرایطی وارد نیمه دوم سال شده که تورم قیمتی و رکود معاملاتی همزمان در آن وجود دارد؛ وضعیتی که تا زمانی که قدرت خرید خانوارها، هزینه ساخت و شرایط تأمین مالی تغییر محسوسی نکند، می‌تواند ادامه داشته باشد. گزارش‌های کارشناسان و اعضای اتحادیه املاک نیز فعلاً چشم‌انداز روشنی از خروج معاملات از رکود در نیمه دوم سال ارائه نمی‌کند.



پنل‌های خورشیدی وارداتی با اصالت هستند؟



آب می‌تواند به خنک‌سازی آن کمک کند و در کنار دریافت تابش خورشید، امکان عملکرد با راندمان بالاتر را فراهم آورد. تست و طراحی دو بخش جدا از یکدیگر نیستند؛ این عوامل باید در کنار یکدیگر دیده شوند تا در نهایت راندمان مناسب نیروگاه حاصل شود.

چه کسی پل را بازرسی می‌کند؟

صلاحیت خود بازرس نیز بخش دیگری از این زنجیره است که طبق مقررات دانش‌پایم، بازرسان حوزه پل‌های خودرشدی باید مرعیت و صلاحیت لازم برای انجام کار را داشته باشند و به گواهینامه ۱۷۰۶۵ در این ارتباط اشاره می‌کند. از نظر رشته تخصصی نیز عموماً افرادی انتخاب می‌شوند که در حوزه نیروگاه‌های خورشیدی متخصص باشند. رشته‌هایی مانند برق و الکترونیک و در بخش‌های مرتبط با سازه، رشته‌های نظیر مکانیک و مهندسی عمران هستند که او به آنها اشاره می‌کند. بخش قابل توجهی از افرادی که فرایند آزمون‌ها را انجام می‌دهند، کارشناسان تخصصی نیستند.

چگونه ۲۰ سال را پیش از ۲۰ سالگی پتل می‌سنجند؟

پس از عبور پتل از آزمون اصلت، توان و تابآوری، هنوز یک سؤال بزرگ باقی مانده است: این محصول چند سال می‌تواند کار کند؟ دانش‌پایام از آزمون‌های «چینجینگ» یا پی‌سنجاری می‌گوید: آزمون‌هایی که در آن محصول در یک فاصله زمانی کوتاه‌تر اما تحت شرایط سخت‌گیرانه قرار می‌گیرد تا بخشی از عمر آینده آن شبیه‌سازی شود. این روش در تجهیزات مختلف صنعت برق مرسوم است؛ برای نمونه در کابل‌ها می‌توان با اعمال شرایط خاص در یک بازه زمانی محدود، رفتار محصول در دوره‌ای طولانی‌تر را شبیه‌سازی کرد. سرما، رطوبت و سایر شرایط اقلیمی یا محیطی به تجهیز اعمال می‌شود تا رفتار آن در مقیاس سیکل‌های مختلف بودن بررسی قرار گیرد.

در آزمایش ایجینگ، زمان فشرده می‌شود؛ پتل نواست، اما آزمایشگاه در آزمایش تلاش می‌کند بخشی از سال‌های آینده‌اش را زودتر مقابلش قرار دهد. مهم‌ترین روند درباره پتل نیز اجرا می‌شود؛ محصول گرم و سرد می‌شود، در معرض سطوح مختلف تابش قرار می‌گیرد و شرایط محیطی متفاوت برای آن شبیه‌سازی می‌شود تا به‌نوعی فرایند پیرشدن پتل مورد رزیابی قرار گیرد.

او عمر مفید مورد انتظار پهل را براساس ساختارهای بین المللی حدود ۲۰ سال عنوان می کند و می گوید در بازار معمولاً انتظار می رود پهنسل طی دوره ای در حدود ۱۵ تا ۲۰ سال همچنان راندمان موردنظر را خود را حفظ کند. با این حال، شرایط نصب تعیین کننده است؛ اگر پهل در محیط مناسب نصب شده باشد شرایط لازم برای آن فراهم نشده باشد، همین موضوع می تواند شده عمر آن را کاهش دهد.

راندمان حدود ۲۴ درصد؛ اما در چه شرایطی؟

در پایان، دانش‌پیم راندمان پیل‌های که مورد آزمون قرار گرفته‌اند، حدود ۲۴ درصد عنوان می‌شود. این بازه در شرایط استاندارد آزمون با STC سنجیده می‌شوند و به‌دما ۲۵ درجه اشاره می‌کند؛ از آنجمله که در فرایند ارزیابی استاندارد پیل‌های خورشیدی مشخص است؛ زمان تولید پیل خورشیدی در کارخانه، استاندارد بررسی می‌شود، و آزمایشگاهی که گواهی آن را صادر کرده اعتبارسنجی می‌شود، خود محصول با مدرکش تطبیق داده می‌شود، در چنین آزمون می‌شود، در محلول دوباره نمونه‌برداری می‌شود، توانش زیر نور سنجیده می‌شود، در برابر باد، تگرگ، گرما و فشار آزموده می‌شود و حتی بخشی از سال‌های پندهاش را در تست‌های پیرسازی پشت سر می‌گذارد. بنابراین با این اوصاف، پیل‌هایی که وارد کشور شده‌اند، نه بی‌نام‌نشان هستند و نه بی‌اصالت.

هستند، بازرسی فنی و آزمون در مبداء انجام می‌شود. بازرسان شرکت که در چین مستقر هستند این فرایند را انجام می‌دهند. یک‌سوی ماجرا، کارخانه است؛ پتل هنوز از چین خارج نشده. سوی دیگر، زمانی است که همان محموله به ایران رسید و دوباره قرار است خودش را ثابت کند. پس از رسیدن محموله به ایران، نمونه‌برداری مجدد انجام می‌شود و تست و بازرسی داخل کشور نیز تکرار می‌شود.

گزارش‌های مبداء و مقصد سپس با یکدیگر مقایسه می‌شوند؛ نتایجی که در کارخانه به دست آمده در یک طرف و نتایجی که پس از ورود محموله به ایران ثبت شده در طرف دیگر قرار می‌گیرند. دانش‌پایم می‌گوید: این فرایند با شرایط استاندارد تطبیق داده می‌شود تا مشخص شود محصول انحرافی از استاندارد دارد یا خیر.

روی پنل نوشته شده ۷۰۰ وات؛ خودش چه می‌گوید؟

بعد از اصالت و اسناد، نوبت به عملکرد می‌رسد؛ دانش پیام یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های رای توان خروجی آن می‌داند. او مثال می‌زند اما سزاینده اعلام کرده باشد که پیل ۷۰۰ وات تان دارد، همین ادعا در آزمونگاه بررسی می‌شود؛ نور خورشید بصورت مصنوعی با طبعی به پیل اعمال می‌شود، خروجی‌های آن اندازه‌گیری و نوسانات احتمالی در فرایند تولید انرژی را توان بررسی می‌شود؛ در پایان باید مشخص شود آیا محصول واقعا با توانی که سازنده درباره آن اظهار کرده، منطبق است یا خیر، روی لبل، عدد تغییر نمی‌کند؛ اما در آزمونگاه دیگر دانه نوشته‌شده تعیین کننده نیست؛ این بار خود پیل باید تاوان را نشان دهد.

برف، تگرگ، باد؛ آزمایشگاهی که باید شرایط واقعی را شبیه‌سازی کند

توان تنها بخشی از ماجراست؛ به گفته دانش‌پیمای یکی دیگر از محورهای آزمون پل‌ها، شرایط محیطی و بهره‌برداری است؛ زیرا محصول پس از نصب ممکن است با برف، گرما، اجسام خارجی یا سایر شرایط محیطی مواجه شود؛ به همین دلیل، پل باید از نظر مکانیکی، تابآوری و استحکام لازم را داشته باشد.

او از بتگر که مثال می‌زند؛ شرایطی که می‌تواند بر پتل اثر بگذارد، به مناطقی که بسیار شدید دارند و پتل نباید در برابر آن مقاومت کند. پتل نشود و شیشه یا فریم آن دچار آسیب نشود؛ این شرایط در قالب تست‌های شبیه‌سازی شده‌ای که استاندارد تعریف کرده، مورد بررسی قرار می‌گیرند. اما در سرزمین آفتاب، یک تناقض ظاهری نیز وجود دارد؛ همان خورشیدی که منبع تولید برق است، وقتی دمای پتل را بالا می‌برد می‌تواند بخشی از راندمان را کاهش دهد. دانش‌پیم تأیید می‌کند که می‌تواند با یکی از پارامترهایی است که می‌تواند راندمان پتل را پایین بیاورد.

با این حال، ا موضوع را فقط به کیفیت پتل محدود نمی‌کند؛ بخشی از مسئله به طراحی نیروگاه بازمی‌گردد؛ اینکه نیروگاه با چه مدلی طراحی شود، پتل در فصل‌های گرم چگونه با کمترین مخازرات مواجه شود و نیروگاه در چه موقعیتی قرار گیرد تا راندمان بالاتری حاصل شود. همچنین باید دید پتل برای چه لوکیشنی طراحی شده است. به گفته دانش‌پایم بخشی از این اطلاعات می‌تواند از ادعای سازنده به دست آید و بخشی دیگر نیز از سوری مجموعه‌های تخصصی فعال در این حوزه، در قالب پارامترها و معیارهای طراحی نیروگاه پیشنهاد شود تا شرکت‌ها و سازمان‌ها بتوانند از محصول با راندمان مناسب‌تری استفاده کنند.

او برای توضیح موضوع از پنل‌های خورشیدی نصب‌شده روی آب مثال می‌زند؛ طرح‌هایی که در آنها قرارگیری پنل روی سطح

با این حال او یک نکته را بیان می‌کند که این طرح هنوز مصوب نشده و آنچه در حال حاضر انجام می‌شود، پیاده‌سازی زیرساخت‌های آن است. اینجا دیگر سؤال فقط «استاندارد هست یا نیست» نیست؛ سؤال این است که محصول استاندارد، برای همان جغرافیایی که قرار است در آن کار کند نیز مناسب هست یا نه.

مدیر بازرسی فنی شرکت آزمایشگاه‌های صنایع انرژی ایران در توضیح نقش نهادهای متولی می‌گوید: سازمان ملی استاندارد به‌عنوان نهاد استاندارد کشور داشته باشد، اما از آنجا که حوزه فعالیت این سازمان دامنه عمومی‌تری از ساختارها و تجهیزات را شامل می‌شود، حوزه خوردشدگی به یک متولی تخصصی نیز نیاز دارد. سابقاً به‌عنوان متولی تخصصی این حوزه می‌تواند زیست محیطی مربوط به آلودگی اجباری شدن محصول و نشان‌های بومی‌سازی شده را پیاده‌سازی کند.

پنل بی نام‌نشان وارد نشده است

دانش پیام دربار پنل‌هایی که تاکنون مورد بررسی قرار گرفته‌اند نیز تایید می‌کند که اسناد و "اکایمنت‌های" آنها با محصول مقایسه شده است. می‌خواهم بگویم پنل‌هایی که وارد کشور شدند، پنل‌هایی نیستند که بی‌نام‌نشان باشند؛ پنل‌هایی نیستند که اصالت نداشته باشند.

در این میان، یک پرسش دیرینه مطرح است: مجموعه‌ای که امروزه را انجام می‌دهد، خود چه جایگاهی دارد؟ کسی نباید بگوید بر نتیجه آزمایش‌ها اکتفا نلرند تا تأثیر گذاری کند و نتیجه باید طبق براساس جوباب استاندارد ارائه شده به گونه‌ای که مجموعه آزمایشگاهی بتواند از نتایجی که صادر کرده، براساس همان استانداردها دفاع کند. نقش سازمان ملی استاندارد نیز در همین زنجیره قرار می‌گیرد؛ دانش پیام در این باره می‌گوید: این سازمان به‌عنوان متولی استانداردسازی کشور، فرایند مربوط به اجباری شدن استاندارد در حوزه پل‌های خورشیدی، اینونترها و سایر ادوات نیروگاه‌های خورشیدی را دنبال می‌کند تا الزامات، نیروگاه‌داران و بخش خصوصی از محصولی استفاده کنند که هم مردم، هم استانداردها داخلی را داشته باشند و هم استانداردهای بین‌المللی در آن رعایت شده باشد.

از نگاه دانش‌پایم، داشتن تجهیزات به‌تنهایی برای تبدیل شدن به آزمایشگاه مرجع کافی نیست؛ شرکت‌ها و آزمایشگاه‌های می‌توانند در یک حوزه مشخص فعالیت کنند که مرجعیت و «اسکوپی» یا دامنه کاری مربوط به همان محصول را داشته باشند. بازار سان فنی که در شرکت‌ها حضور پیدا می‌کند نباید تخصص همان حوزه باشد و این تخصص نیز از مسیر گواهینامه‌ها و صلاحیت‌هایی که از مراجع داخلی و بین‌المللی دریافت شده، قابل ارزیابی است.

و ISO/IEC ۱۷۰۲۵ را یکی از گواهیه‌های مورد استفاده برای مرجعیت آزمایشگاه معرفی می‌کند که امکان صدور گزارش‌های آزمون را در چهارچوب مربوط فراهم می‌کند. یک مرجع خارج از کشور در روسیه که در داخل کشور نیز سازمان ملی استاندارد از جمله مراجعی هستند که در این فرایند نقش داشته‌اند.

دانش پیمان در ادامه از گواهینامه ISO/IEC ۱۷۰۶۵ برای بخش بازرسی فنی نیز نام می‌برد. از آنجایی که نوبت داخلی آن از سازمان ملی استاندارد و گواهینامه می‌گیری و از گواهی دهند دریافت شده است. مجموعه این گواهینامه‌ها این امکان را در اختیار شرکت قرار می‌دهد که هم از آزمون انجام دهد و گزارش ارائه کند و هم فرایند بازرسی را در چارچوب‌های موردنظر انجام دهد؛ موضوعی که به گفته او مرجعیت این مجموعه را براساس گواهینامه‌های داخلی و خارجی شکل داده است.

اما شاید ملموس‌ترین بخش داستان کنترل پنل‌های وارداتی، جایی باشد که فاصله جغرافیایی وارد روایت می‌شود. دانش پیام می‌گوید: بررسی این پنل‌ها در دو مرحله انجام می‌شود؛ یک‌بار در مبدأ و بار دیگر در مقصد. هنگامی که پنل‌ها در حال ساخت یا آماده‌حال

هزاران کیلومتر دورتر از ایران و در امتداد خط بریشم، پتل‌های خورشیدی در چین هستند و راه طولانی را تا رسیدن به مقصد نهایی، یعنی نیروگاه‌های خورشیدی در ایران، انتظار می‌کشند؛ روی جبهه‌های نام‌سازده، تان و مجموعه‌های آبی گواهی‌ها ثبت شده، اما برای رسیدن به نیروگاه، آن نوشته‌ها پتلهایی کافی نیست و این محصولات پس از ورود به ایران نیازمند عبور از آزمون و سنجش استاندارد است.

به گزارش ایسنا، پل‌های خورشیدی وارداتی پیش از ورود به چرخه مصرف، فقط بر اساس اسناد سازنده پذیرفته نمی‌شوند؛ اما تولید می‌گواهی‌های محصول براساس و با مشخصاتی است که پل تقلیب داده می‌شود و نمونه‌ها نیز در فرایندهای آزمون و ارزیابی، از نظر توان، تاب‌آوری و عملکرد مورد سنجش قرار می‌گیرند تا اصالت و کیفیت آن‌ها احراز شود. قرار است پل‌های خورشیدی یکبار در مبدأ دیده و آزموده شوند و پس از ورود به ایران دوباره از میان محموله نمونه‌برداری نشود و نتیجه دو آزمون کنار هم قرار بگیرد؛ پرسش ساده است؛ پل‌ی که وارد کشور شده، واقعا همان محصولی است که سنده همراهش می‌گوند؟

محمد دانش پیام - مدیر بازرسی فنی شرکت آزمایشگاه‌های صنایع انرژی ایران - در گفت‌وگو با ایسنا، پاسخ این پرسش را با جمله‌ای روشن آغاز می‌کند: «پنل‌هایی که وارد کشور شده‌اند، پنل‌های بی‌نام‌ونشان نیستند که اصالت نداشته باشند.»

اما اثبات همین اصل، آغاز یک زنجیره طولانی از آزمون‌هاست. زنجیره‌ای که از کارخانه در چین شروع می‌شود و تا آزمایشگاه در ایران، شرایط اقلیمی محل نصب و حتی شبیه‌سازی سال‌های پیری یک پل ادامه پیدا می‌کند. چندی پیش «شبکه ملی ارزیابی انتظامی نیروگاه‌های خورشیدی» با حضور فرانسه انصری، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان ملی استاندارد ایران معرفی شد.

انضاری در این مراسم با تأکید بر توسعه زیرساخت‌های ارزیابی انطباق در صنعت انرژی‌های تجدیدپذیر، از نقش بخش خصوصی در ارتقای کیفیت و استانداردهای این حوزه سخن گفت و اخذ گواهینامه‌های بین‌المللی از سوی اپیل را طریقی برای توسعه زیرساخت‌های ارزیابی انطباق کشور دانسته است. اما «ارزیابی انطباق» در عمل چه معنایی دارد؟ پاسخ دانش‌پایام، ماچرا را به نقطه‌ای قیل‌تر می‌برد؛ به زمانی که قرار بود مشخص شود پتل‌هایی که وارد کشور می‌شوند، علاوه بر داشتن اسناد استاندارد، واقعا همان محصولی هستند که آن اسناد صادره برایشان صادر شده است.

این پنل واقعا استاندارد است؟

دانش پیام درباره چگونگی آغاز فعالیت این شرکت در کنار ساتیا می‌گوید، موضوع از زمانی جدی شد که پنل‌هایی با ثبت سفارش و با استفاده از نظر مشاوران و افراد مجرب حوزه خورشیدی وارد کشور می‌شدند، اما یک پرسش همچنان باقی بود: آیا این محصولات از نظر فرایند استاندارد سازی نیز بررسی شده‌اند؟

به گفته او، در نخستین گام پیل‌های خورشیدی براساس معیارهای استاندارد IEC مورد بررسی قرار گرفتند؛ از جمله دو استاندارد ۶۱۲۰۱ و ۶۱۷۲۰ که دانش‌پیش از آنها به‌عنوان استانداردهای مرتبط با محصولات یاد می‌کند که فرایندهای تایید و آزمون را طی کرده‌اند. هدف از بررسی تایپ‌تست‌ها نیز همین است؛ محصول براساس الزاماتی که سازمان‌های بین‌المللی استانداردسازی تعیین کرده‌اند مورد آزمون قرار گیرد، معیارهای مربوط به آن سنجیده شود و در نهایت محصولی که وارد چرخه‌های تجاری شده، از این مسیر ارزیابی شده باشد. اما یک گواهی هر قدر معتبر باشد، هنوز یک گامی کاغذی است؛ آن سوی میز، خود پیل قرار دارد.

دانش‌پایام تأکید کرد که مرحله بعد دقیقاً از همیجا آغاز می‌شود. باید بررسی شود سندی که همراه پتل آمده، واقعا متعلق به همان محصول است یا خیر. او این مسئله را صریح مطرح می‌کند؛ ممکن است محصولی با این ادعا وارد شود که استانداردسازی شده، اما سندی روشن شود «داکیومنت» همراه آن واقعا برای همان محصول صادر شده. او با یک سند متعلق به محصول دیگر مواجه نیستیم. به همین دلیل، ابتدا آزمایشگاه‌هایی که فرایند تایید یا صدور گواهی را انجام داده‌اند مورد اعتبارسنجی قرار می‌گیرند؛ اعتبار آنها، استانداردهای مورد استفاده و ارتباط آن استانداردها با پتل بررسی می‌شود تا مشخص شود «تایفاده‌تست‌ها» و مدارک همراه محصول یک سند رسمی و معتبر صادر شده‌اند.

به گفته او پس از آن نوبت به خود پتلی می‌رسد؛ محصول با اسنادش تطبیق داده می‌شود و برخی آزمون‌هایی که در حوزه «تایپ‌نست» انجام شده‌اند، به‌عنوان شاهد دوباره تکرار می‌شوند تا انطباق محصول و مدرک اثبات شود. در پایان باید مشخص شود با یک محصول استانداردسازی شده و دارای «داکومننت» معتبر روبرو هستیم. در ادامه همین مسیر، طرحی برای یک نشان بومی‌سازی با همکاری اساتید سابقان شده است؛ فرایند این طرح با مجموعه مربوط در ساتیبا هماهنگ شده و قرار است محصول پس از طی فرایند پیش‌بینی‌شده، نشانی با عنوان «IR-RE» دریافت کند.

[illegible]

فرا تر از بهره‌وری سازمانی

تأثیر گذاری به مثابه زیر ساخت جدید سازمان



به کار گرفته می شوند، به سرعت معنای کار خود را از دست می دهد. مهارت ایجاد اتصال میان وظایف روزمره و چشم انداز کلان، عمدتاً یک مسئولیت رهبری است، اما پرورش آن در تمام سطوح سازمان حیاتی است.

این مهارت به افراد کمک می کند تا چرای پشت چه را درک کنند. وقتی یک فرد می داند که کار به ظاهر کوچک او، بخشی از یک پازل بزرگ تر و معنادار است و مستقیماً به تحقق یک هدف مهم کمک می کند، سطح تعهد، انگیزه و کیفیت کار او به شکل چشمگیری افزایش می یابد. این حس هدفمندی، قدرتمندترین نیروی محرکه درونی برای دستیار به به نتایج فوق العاده است.

گروه لگو استادی بی بدیل در جاسازی حس هدفمندی در تار و پود فرهنگ سازمانی خود است. ماموریت این شرکت، فراتر از فروش اجزای پلاستیکی رنگارنگ است؛ ماموریت آنها الهام بخشی و توسعه سازندگان فرستاد. این چشم انداز کلان به طور مداوم به تمام کارکنان، از طراحان محصول گرفته تا کارگران خط تولید، باآوری می شود. یک کارمند در کارخانه لگو تنها در حال قالب گیری پلاستیک نیست؛ او در حال ساختن ابزاری است که خلاقیت و مهارت حل مسئله را در یک کودک پرورش می دهد. این اتصال قدرتمند میان وظیفه روزمره و یک ماموریت اجتماعی والا، به کارکنان یک حس عمیق از معنا و افتخار می بخشد و تضمین می کند که تعهد به کیفیت در تمام مراحل تولید، نه یک الزام از بالا به پایین، بلکه یک باور دورنی باشد.

منابع:

<https://www.psychologytoday.com/us/blog/three-skills-to-make-202512/meaningful-work-2026-work-more-meaningful-in>

اطلاعات و شرایط متغیر است. این مهارت به معنای یادگیری زدایی به همان اندازه یادگیری است. افراد و سازمان هایی که از این مهارت برخوردارند، در برابر تغییرات ناگهانی بازار شکننده نیستند؛ در عوض، آنها تغییر را به عنوان یک فرصت برای رشد و نوآوری می بینند و می توانند مدل های کسب و کار و استراتژی های خود را با چابکی مثال زدایی آفرینی کنند. این ظرفیت، مهمترین پادش در برابر منسوخ شدن در یک اقتصاد دانما در حال تحول است.

تحول فرهنگی عظیم مایکروسافت تحت رهبری ساتیا نادلا یکی از قدرتمندترین نمونه‌های سازمانی از به کارگیری انعطاف پذیری شناختی است. مایکروسافت برای دهه‌ها در یک فرهنگ همه چیزدان فعالیت می‌کرد که برتری سیستم عامل ویندوز را ترویج کرده و با مفاهیمی مانند منبع باز (open source) دشمنی می‌ورزید. نادلا با درک اینکه این ذهنیت دیگر در دنیای اپری و متصل امروزی پاسخگو نیست، یک تغییر بنیادین به سمت فرهنگ یادگیرنده را مهندسی کرد. این چرخش استراتژیک یک نامزد این بود که هزاران مهندس و مدیر، پیش‌فرض‌های قدیمی خود را کنار بگذارند، همکاری را رقبای سابق را بپذیرند و مفاهیم کاملاً جدیدی را بیاورند. این نمایش خیره‌کننده از انعطاف پذیری شناختی در مقیاس سازمانی، مایکروسافت را از یک غول در اول‌اول به یکی از ارزشمندترین و نوآورترین شرکت‌های فناوری جهان تبدیل کرد.

اتصال وظایف روزمره به چشم‌انداز کلان

یکی از بزرگ ترین عوامل فرسودگی شغلی و بی انگیزگی در محیط کار، احساس بیهودگی و عدم درک تاثیر واقعی فعالیت های روزانه است. کارمندی که ساعت ها صرف ورود داده به یک صفحه گسترده می کند، اگر نداند این داده ها چگونه در یک تصمیم استراتژیک بزرگ

را پذیرند و به طور سازنده ای با یکدیگر مخالفت نمایند. این سطح از ارتباط، بستر لازم برای نوآوری واقعی و حل مسئله خلاقانه را فراهم می آورد، زیرا بهترین ایده ها نه از ذهن یک نابغه منزوی، که از تعامل پویا و صادقانه یک تیم منسجم سرچشمه می گیرند. در اقتصاد دانش بنیان، کیفیت روابط انسانی، مستقیماً به کیفیت خروجی کسب و کار ترجمه می شود.

پروژه تحقیقاتی گسترده گوگل با نام پروژه ارسطو (Project Aristotle) به شکلی مستند این حقیقت را به اثبات رساند. این شرکت برای یافتن فرمول تیم های فوق العاده موفق، صدها تیم داخلی خود را مورد مطالعه قرار داد و متغیرهای بی شماری را تحلیل کرد. نتیجه شگفت انگیز بود: موفق ترین تیم های، آنهایی نبودند که بهترین متخصصان را داشتند، بلکه تیم هایی بودند که بالاترین سطح از امنیتی روانی را از خود نشان می دادند. در این تیم ها، اعضا به یکدیگر اعتماد داشتند، به طور برابر در گفت و گوها مشارکت می کردند و نسبت به احساسات یکدیگر حساسیت بالایی داشتند. گوگل دریافت که برای ساختن یک تیم نوآور، سرمایه گذاری بر روی تقویت مهارت های ارتباطی و ایجاد یک فرهنگ مبتنی بر همدلی و احترام متقابل، از استخدام درخشان ترین استعدادهای فردی نیز مهمتر است.

توسعه انعطاف پذیری شناختی

مدل آموزشی سنتی، ذهن ما را برای یافتن پاسخ های «صحیح» در یک چارچوب از پیش تعریف شده تربیت کرده است، اما در دنیای واقعی کسب و کار امروز، مسائل به ندرت دارای راه حل مشخص هستند و چارچوب به طور مداوم در حال تغییرند. انعطاف پذیری، شناختی، توانایی ذهنی برای راه کردن گویای فکری قدیمی، نگه داشتن به مسئله از زوایای کاملاً جدید و سازگار شدن سریع با

نویسنده: علی آل علی

پارادایم حاکم بر دنیای کار برای بیش از یک قرن بر پایه یک منطق صنعتی و ماشینی استوار بود: بهینه‌سازی فرآیندها، افزایش بهره‌وری و به حداقل رساندن خطا. در این مدل، انسان‌ها اغلب به عنوان اجزای قابل تعویض در یک سیستم بزرگ تر در نظر گرفته می شدند و فراموش شد آنها با میزان خروجی و کارایی شان سنجیده می شد، اما با ظهور عصر مشاغل و سازمان‌های پیچیده، این تعادل در حال بازنگری اساسی قرار گرفته است. وظایفی که مبتنی بر تکرار، تحلیل داده‌های ساختار یافته و پیروی از قوانین مشخص هستند، به طور فزاینده‌ای به الگوریتم‌ها واگذار می شوند. این تحول عظیم، اگرچه در ابتدا ممکن است تهدیدآمیز به نظر برسد، اما فرصتی تاریخی برای بازتعریف نقش انسان در سازمان فراهم می کند.

در این چشم‌انداز جدید، ارزش انسان دیگر در توانایی او برای رقابت با ماشین در سرعت و دقت نیست، بلکه در ظرفیت او برای انجام کارهایی است که ماشین‌ها قادر به انجام آن نیستند: خلق معنا، ایجاد ارتباطات عمیق و حل مسائل پیچیده با استفاده از خرد و خلاقیت.

معماری ارتباطات عمیق انسانی

در جهانی که ارتباطات دیجیتال به صورت آنی و در مقیاس وسیع امکان پذیر است، اما با یک تناقض بزرگ روبه‌رو هستیم: هرگز تا این حد خود اما تا این اندازه تنها نبوده ایم. در محیط های کاری، ایده پردیده محصور به به شکل تعاملات سطحی، بسیاری ناکارآمد و کاهش حسن تعلق تیمی نشان می‌دهد. مهارت معماری ارتباطات عمیق، فراتر از توانایی ساده برای گفت‌وگو است؛ این مهارت به معنای ظرفیت ایجاد فضاهای ایمنی روانی است، جایی که افراد احساس می‌کنند می‌توانند ایده های خام خود را بدون ترس از قضاوت بیان کنند، اشتباهاتشان

